

حقیقت

شماره ۱۰۳ ۱۳۵۹

سر مقاله

آنها نیکه مردم را به سازش با ابر قدرت روس فرا میخوانند

روزیکشنبه ۷ دیماه ۱۳۵۹
الدین فارسی یکی از سیاست
پردازان حزب جمهوری اسلامی
سیاست "اربعین حینتی"
سخانی در میدان امام حسین
تهران ایراد کرد که سار دیکر
جوهریات تسلیم طلبانه،
بردمشاران این حزب را در برابر
برابر قدرتها فانی ماحبت .
سخرانی وی با دفاع
از روحانیون با اصطلاح "انقلابی
وفداکار که بنظر او تقاضا
طامشای و بیعتی هستند، آزار
دنواستنیاد "خرید" ویا "اجام
رود" "سلحه و تجهیزات از ابر
قدرت و وارد شدن در ساسانی
خراسات "شوروی و کوسا"
سخان پذیرفتند .
وی سن اردگرد سا میای
سدیدی به "لیبرالها"، "مساد
تمس" و "ارواحانی سما" خانی که
بر برابر ارواحانیسا میسل و
سخانی عسی دار و دهنه رهبران
حزب جمهوری اسلامی اینادماند

پیرامون

درگیری های

چند روزه تهران

درگیریهای خیابانی
هفته گذشته (۳ تا ۶ آذر) در تهران
بار دیگر نشان داد که چه کسانی
سعی در به انحراف کشیدن ذهن
مردم از جنگ و مقابله با تجاوز
کسترده ای که هزاران کیلومتر
از سرزمین ما را به اشغال بی-
کانه در آورده ، دارند . چه کسانی
سعی در ایجاد تفرقه و جند دستگی
در پشت حبه این جنگ میکنند
و به حادثه آفرینی و فتنه سازی
هایی که زمینه به اجرای نقشه
های امپریالیسم میدهد، می
پردازند .
پس از لغو راهپیمایی
سقید در صفحه ۳۰

هسته های مقاومت

یا هسته های خبرچینی ضد کارگری

در "میارا" جنبه های
اسلامی "کارخانجات که جنبی
بیش در "خانه کارگر" در تهران
سرکار کردید، اطلاعاتی از
طرف "ستاد سیج مکتبی -
نظامی" خوانده شد، این "ستاد
سیج" "از ارگانهای
سقید در صفحه ۲۰

نفتگران قهرمانی که در راه دفاع از انقلاب و میهن جان باختند

سمینار ائمه جمعه

برای چه تشکیل شد؟
صفحه ۱۴

مردم باید بهوش باشند!
نقشه بعدی آمریکا
چیست؟
صفحه ۱۲

گوشه هایی

از فعالیت کارگران

پرو فیل نیمه سبک
در جنگ تحمیلی
صفحه ۲

سئوالی از
آقای
جلال الدین

فارسی
صفحه ۳

پاسخی به
نامه پراکنی

فدائی
اکثریت
صفحه ۱۴

پاسخ
به
توانندگان
صفحه ۸

"وظیفه حزب جمهوری و حقی"
که باید کف دستش گذاشت!
صفحه ۱۲

آنها نیکه...

بقیه از صفحه ۹۹ —
 قدرتها و مشخصاً از شوروی فشار
 سیاه ورنه، و بدینسان پای آنها
 را در کشور ما بگشاید، آقای
 فارسی با اشاره به تهدید
 دشمنان انقلاب و "ضربه احتمالی"
 ای آمریکا "مردم را مخاطب
 قرار داده میگوید: "شما مردم
 باید به مسئولان دولتی هشدار
 بدهید که زمان را از دست ندهند
 با بدسلاخی بدست بیابوریم که
 نتوانیم ناوگان آمریکایی را
 که میخواهد به روی ما آتش
 بگشاید و هواپیماها بیخ کن
 بخواهد یک شهر را از آسایشات
 ما را بمباران کند، به قدر دریا
 بفرستند."
 ولی آقای فارسی میدانند
 که مردم ما به جز نیروی ایمان
 انقلابی و وحدت خویش دارای
 سلاحی که با سلاحهای آمریکایی
 برابری کنند نمیتوانند. پس جنین
 سلاح هائی را از کجا میتوانند
 تهیه کنند؟ آنها سلاحهای که
 ما نند سلاحهای آمریکایی
 و سببهای برای به اسارت
 کشیدن مردم ما نشوند. آقای
 فارسی معتقدند که "جنین سلاحی
 وجود ندارد". و برای اثبات این
 مدعا میگوید: "مگر سودگسره
 شمالی که ناوگان آمریکایی را
 ترق کرد، مگر نبود موشک انداز
 های مصر در دوره عبدالناصر
 که برترترین گشتی اسرائیل را
 در دهها سال موشگر غرن
 کرده اند. مگر دولت کوچک کوبا که
 - ج کوس ایالات متحده - آمریکا
 را به سلاحهای محترمی که می
 توانست تمام شهرهای آمریکا

را تبدیل به خاکستر کند و همین
 خطر و تهدیدنا عت شد که آمریکا -
 لسم آمریکا در برابر شوروی
 و کوبا تمیز بسیار رد که هرگز
 کوبا حمله کند و تا کنون نتوان
 بسته حمله کند. پس ما باید
 با سلاحی که میتوانند جواب ضربه
 انتقامی آمریکا را بدهند و همین
 بشویم."
 بعبارة دیگر آقای
 جلال الدین فارسی میخواهد که
 "مسئولان دولتی" برای عقابله
 با ناوگان آمریکا و هواپیما
 های آمریکا ای از ناوگان
 روسی و هواپیماهای دولتی
 شوروی استمداد بچوبینند؛ و
 جواب سلاح آمریکایی را با سلاح
 روسی بدهند. حتماً فردا هم
 هجوم سرباز آمریکایی را با
 دعوت سرباز روسی خواهند
 خواست پاسخ دهند. چه همه می
 دانند که آن موشک اندازهای
 که مصر در دوره عبدالناصر
 با آنها به جنگ با اسرائیل
 رفت، آن وسائلی که "دولت
 کوچک کوبا" با آنها "میتوانست
 تمام شهرهای آمریکا را تبدیل
 به خاکستر کند" و غیره، همه از
 شوروی تهیه شده بود و در زیر
 فرماندهی افسران و کارشناسان
 سان نظامی روسه بکار می
 افتاد.
 در اینجا آقای فارسی
 نه تنها به بهانه "مثالها مثل
 با آمریکا از حضور و رقابت
 ناوگان ها و هواپیماهای اسر
 قدرتها در منطقه، خلاص
 استقبال میکند، بلکه به حضور
 نظامی یک ابرقدرت به حای
 ابرقدرت دیگر در کشور ما خون
 آمد میگوید.
 آقای فارسی امروز
 از "مسئولان دولتی" میخواهد
 که برای مقابله با ابرقدرت
 آمریکا دست ندان ابرقدرت
 روس نبود و از نمونه مصر
 عبدالناصر با کوبا پیروی کنند
 و به مردم بگویند که ما
 برای استکار به "رئیس جمهور
 نخست وزیر" و غیره فارسی اور
 بد، ولی سسکوبدای راه و روش

جسرمصر با عربی ریا "دولت
 کوچک کوبا" آورد؟
 مجهز شدن مصر در دوره
 عبدالناصر به موشک اندازهای
 شوروی نه تنها باعث شکست
 اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۳۴۶
 نگشت، بلکه استقلال مصر را هم
 سربا دادا دولت مصر را به سارت
 استعمارگران شرق و غرب در
 آورد. عبدالناصر میخواست با
 سلاحهای روسی به جنگ سلاحهای
 آمریکایی اسرائیل برود و در
 نتیجه بجای بیخ و متحد کردن
 مردم به سلاح ایمان و اتکاء
 بخود، ارتش مصر را به جنگ
 افزارها و کارشناسان شوروی
 وابسته کرد. ارتش مصر بدون
 سلاح های شوروی ویدکی های
 موردنیا ز آنها، و همچنین
 بدون حضور و اجازه کارشناسان
 شوروی، قادر به هیچ حرکتی
 نبود. اتکاء نا مر به جنین
 ارتشی باعث شد که با قطع
 صدور سلاح ویدک موردنیا ز از
 شوروی در جریان جنگ ۶ روزه
 و خرابکاری این کارشناسان
 سرباز اسرائیل گشت گشتی
 بخورد و بخش بزرگی از زمین
 خود را از دست بدهد. بیسلاوه
 عبدالناصر در برابر "خراب
 یا" اجازه "سلاحهای روسی
 ناچار شد منافع زیادی را برای
 ابرقدرت شوروی در صفتا شل
 شود و پیرفت اقتصادی و
 اجتماعی مصر را قربانی
 آزمندیهای استعماری و تاراج
 کربهای دولت شوروی بگردان
 ند. خط اتکاء بیک ابرقدرت
 در برابر ابرقدرت دیگر باعث
 شد که دولتمردان مصر در خط
 وابستگی به این نا ابر
 قدرت با نندیشد و دولت و
 مجلس مصر به عرصه رقابت
 گروهندیهای وابسته
 با آن ابرقدرت تبدیل شود
 ریسروهای مٹی و مرغی
 سرکوب شوند. اردرون اس
 وضع بود که سادات بسرون
 آمد، و اینبار به جای خط
 وابستگی به شرق خط وابستگی
 به غرب حاکم گشت. اکنون

آقای جلال الدین فارسی در
 همین خط می اندیشد و به بهانه
 مبارزه با غرب راه سازش
 وابستگی به شرق را توصیه می
 کند.
 اما نمونه کوبا از آنها
 بدتر است، زیرا آن سلاح هائی
 که فیدل کاسترو برای با صلاح
 مقابله با خطر و تهدید آمریکا از
 شوروی وارد کرد، تمام دستا
 ردهای انقلاب شکوهمندی را به
 با دفنا داد و کوبا را به یک
 پایگاه مستمراتی ابرقدرت
 شوروی در آمریکای لاتین
 تبدیل کرد. ارتش کوبا کاملاً
 زیر فرمان دولت شوروی قرار
 گرفت و بسزودی بیک ارتش
 مستمراتی تبدیل گشت. از آن
 پس هر جا و در هر کشوری که منافع
 ابرقدرت شوروی اقتضا میکرد
 و یا این منافع به خطر می افتاد
 سربازان کوبائی با بسوار
 میدان میشدند و نقش گشت
 دم توب را ایفاء میکردند. در
 همه لشکرکشی ها و تحسالات
 دولت شوروی در آفریقا و آسیا
 سربازان کوبائی با جانوش
 که خود را برای پیشبرد منافع
 این ابرقدرت به گشتن دهند
 و به سرکوب ملل مورد تجاوز
 طمع شوروی بپردازند. بعنوان
 مثال، هم اکنون سربازان
 کوبائی زیر فرماندهی افسران
 روسی در جنبه علیه جنب
 آزادیبخش اریتره و در آنکولا
 برای تحکیم سلطه ابرقدرت
 شوروی در این کشور، به اسفای
 نقش مستمراتی خود مشغولند
 همانطور که انگلیسها در زمانی
 که هندوستان را مستعمره خود
 داشتند از سربازان هندی در
 جنگهای استعماری خود در آسیا
 و آفریقا استفاده میکردند.
 امروز هم روسها از سربازان
 کوبائی برای اسیر کردن ملل
 آسیا و آفریقا استفاده میکنند
 و آنها را در راه مقاصد خود
 کتس میدهند. سلاوه سراتر
 وابستگی نظامی کوبا به اسر
 قدرت روس، استقلال کوبا در
 همه در صفحه ۵

پیرامون ...
 بقیه از صفحه اول

توطئه گرانده حزب جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ آذر، رهبران حزب برای به اتهام زکشتن قدرت و تحمیل یک رژیم پلیسی بر کشور نگردیدگی زنده و این سا رکوشیدند تا با ابحسار دو درگیریهای مصنوعی با مجاهدین خلق و حمله به مراکز آتینا به همان مقاصد خویش تا ثل کرده اند. تلاش آنها این بود که با انداختن گروههای چاق قدر به جان مجاهدین خلق و سپس ابحا دمحیط رعب و وحشت بیه کسک افراد صلح کمینه ها و تنگی های حزب، مجاهدین خلق را به شانندان واکستن رودرین و درگیری وسیع در سطح شهر تحریک کنند، سپس تمام قدرت سرکوب دولت را با کیهان بکار انداخته و زمینه کودتای نامرئی خود را فراهم کنند.

استحاب مجاهدین خلق بعنوان آماج حمله به سبب دلیل صورت گرفته است:

۱- دلیل اول این است که مجاهدین خلق در محاسبات رهبران جمهوری مسجد بررکتی برای رقیب سیاسی اینسان یعنی بنی صدر میبناشد و در ضمن حال برای بنی صدر شوار است که در شرایط یک درگیری وسیع با مجاهدین به حمایت علیش از این متحدین چه بود بریزد. این است که درن مجاهدین از رهبران حزب جمهوری راه آمانتری بسرای حالی کردن زیربای رقیب

سیاستان است .
 ۲- دلیل دوم اینست که است الله منتظری پس از ملاقات اخیر خود با امام ریس مدارا - جو یا نه ای در برابر مجاهدین خلق تومعه کرد و این موضوع پس از لغو هیماشی کذاشی و نقض برآب شدن توطئه حزب جمهوری برای غصب فرماندهی کل قوا پیش از پیش کران آمد . در نتیجه حزب در محاسبات

حاصمه توجه دارد، کا بلاوا فلسف بوده اند و متوجه شده بودند که این سازمان عمده توجه خود را معطوف کنیا کش خود را حزب جمهوری کرده و سلاوه ارحالست استعمال چند ماهه خود بسرون آمده است . متاسفانه رهبران سازمان مجاهدین که به حبسش هیچ طبقه ای تکیه نمیکند تمام مسائل جامعه را در تضاد منحصر بفرد خود با این حزب

توجه جولان میدادند، ابتدا در خیابان مازران و سپس در روزهای بعد در چند نقطه شهر - جمناق کنی و جاد رکتی و سپس شیراندازی سوی هوا داران پعا هدین بر خاسته و شهر را برای چند روز به آشوب گنا اندسند . طبیعا براه افتادن اسر دسته های ارتجاعی حما قدر از مراکز معینی هدایت میشود (حزب جمهوری اسلامی، حزب توده، بقایای ساواک و پاره ای تکیه ها و مساجد، که به پایگاه توطئه گران مشکوکی تبدیل شده اند) . عطیات شوروانه این نوع دستجات واحد شه آفرینی های آنها، که همه به خاطر انحراف اذهان عمومی از خطرات اصلی و تولید محیط رعب و وحشت و تفرقه و خرابکاری در جنبشهای مردم صورت می گیرد، همیشه در تاریخ گذشته ایران از مقدمات کودتای ارتجاعی و فدملی بوده است . در زمان مصدق نیز اینگونه جمناق کنی ها و عریبه کنی های مستانه ای که تمام دفاع از مصدق یا کاشانی علیه اتحاد به ها و سازمانهای سیاسی صورت میگرفت از زمینه کودتای دادویا ابحا دتفرقه و انحراف و زد و خورد در درون جنبش و ابحا د خستگی و سر خوردگی در میان توده ها بزرگترین خدمت را به کودتای کران آمریکا شی و انگلیسی در ۲۸ مرداد ۳۲ کرد .

آنهم در معنای وسیع تر و یک بعدی (یعنی یکی قلمداد کردن جریان خمینی و حزب جمهوری) خلاصه گرداند، و در نتیجه حزب کذاشی کا ملابروی واکنش فوری و وسیع اینسان جناب سکندوبه کنگ ساواکیها بوده آنها و دسته های چاق قدر و شور و برایشان دام مسمی کسرا کنند .
 اینها دلائل بینه بینه گرانه حزب جمهوری اسلامی در همه گذشته بود . دسته های چاق قدر را و زمینه حزب، که در سن آنها عناصر و اکتی و حزب

سئوالی از آقای جلال الدین فارسی

آقای جلال الدین فارسی از سیاست برداران حزب جمهوری اسلامی و از اعضای شورای "انقلاب فرهنگی" در سخنرانی خود در روز یکشنبه ۷ دیماه در میدان امام حسین تهران "از روحانی نماهایی " صحبت کرد که "در برابر روحانیت اصیل و متعهدهما نظور که در دربار ریزید و معاویه نیز روحانی نماهایی بودند که با دستگاه چاروچا کم آتزمان سازش کرده بودند" ، تراز گرفته اند .
 آقای فارسی نام این "روحانی نماها" را، که ما ننسند روحانی نماهای "در بار ریزید و معاویه" اندشرد، ولی اشاره او به جریانات مشهود و صفاها کا ملاروشن کرده بنظر او این روحانی نماها آقایی چون آیت الله لاهوتی و شیخ علی شهرانی هستند اکنون سوال مردم از ایشان این است : آیا منظور ایشان از دربار ریزید و معاویه دربار ربهلوی است، که امثال لاهوتی و شیخ علی شهرانی سالها در زندانهای آن اسیر و زیر شکنجه بودند؟ یا برعکس منظور ایشان از دربار ریزید و معاویه همین پیشگاه خمینی است که امثال لاهوتی و شیخ علی سالها نام آن به تبلیغ و مبارزه برداختند؟ زدو حال خارج نیست : با جلال الدین فارسی روحانیون اسیر زندانی دربار ربهلوی را ریزیدی و معاویسه ای میداند و یا آنکه خمینی را ریزید و معاویه بحساب میآورد . بعبارت دیگر ایشان طرفداری از شاه میکنند .

باین نتیجه رسید که در صورت ابحا درگیری با مجاهدین و کشتن آنها نیک زد و خورد خیابانی وسیع خواهد توانست امام و آیت الله منتظری را با ردیکر علیه مجاهدین سرر انگیزد و به قبول سیاست حزب در مجموع خود، یعنی سیاست ابحمار تمام قدرت در دست خود و با نیت، مفا قدر اند .
 ۳- دلیل سوم اینست که رهبران حزب به این واقعیت گنسه سازمان مجاهدین خلق در این اوا هر کمتر به مسئله حبسک و تلفیق آن با مسائل دیگر

گوشه‌هایی از فعالیت کارگران پروفیل نیمه سبک

در جنگ تحمیلی

خبه‌فراگیرند، ولی بدون اراده هرگونه دلیل از اعزام آنها تا کنون خودداری نشده است. یک روز نیز در ناها رغوی اعلام گردید که ۲۰ نفر به حصد اعزام میشوند و حتی این افراد هم انتخاب شدند، ولی از کسبل آنها به حصد خبری نشد. هم اکنون دانشکده افسری در باغ روبروی کارخانه (که متعلق به کارخانه مت شفا سمکات رزمی - نظامی خود را داد ایست کرده است و قرار است توسط افراد فوق به کلیه کارکنان آموزش نظامی داده شود.

کارگران یک روز حقوق خود در ماه را (بعمدت ۶ ماه) از مهر تا اسفند) به جنگ زدگان اختصاص دادند. امروز شور انقلابی کارگران بسیار بالاست، ولی از این شورا استفاده نمی‌شود و کوشش نمی‌گردد تا توان ذاتی آنها شکفتن کرده.



و دیگر نیروهای انقلابی گذارده میشود، مانع از شرکت داوطلبانه کارگران در جنگ شد.

اما کارگران از طریق دیگر خود را به حصد رسانند. ۱۵ نفر از کارگران منقضي خدمت سال ۵۶، همان روز اول خود را معرفی کردند و همگی به حصد اعزام شدند.

در اوائل آبان ماه، کارخانه پروفیل نیمه سبک اولین شهید خود در جنگ را داد. جنشید دیانت پور، کارگر قسمت تعمیرات جرثقیل کارخانه، که همراه سیخ به حصد اعزام شده بود در سهیل ذهاب به شهادت میرسد. (متأسفانه جنسید این شهید هرگز بدست نیامد) مراسم ختم از طرف ششورای کارخانه و خا تواداش برگزار گردید. از این کارگر قهرمان که بیش از ۳۰ سال شاد داشت، همسر و سه فرزند باقی مانده است.

همچنین ۱۵ نفر از کارگران به دانشکده افسری برستاده شدند تا آموزشهای لازم نظامی را برای اعزام به

در حبه‌های جنگ و دفاع از میهن و انقلاب خود بودند، ولی کن محدودیتهای بسیاری که عملاً در مقابل پای کارگران

زماسی که جنگ آغازند، نیرومندان افلاسی و امیری کارگران را فرا گرفت. عمده رسادی خواستار شرکت منقسم

فستگران قهرمانی که در راه دفاع از انقلاب و میهن جان باختند

سال ۳۰۰ سال در صنعت شادت کار و مبارزه کرده بود. از خود ۱۰ فرزند بجای گذاشت و اهل ملامیرجها رحال بختیاری بود.

کارگر شهید با هر جلالی عرب بود و او خود ۷ فرزند بجای گذاشت.

شهید خان بابای بندری کلی، همیشه میگفت "پیروزی با ما ست". برستی که با وجود این چنین زحمتکشان قهرمانی پیروزی مسلماً با مردم دلیر ایران خواهد بود. ایستاد و نامشان جاودان باشد!

روز شنبه ۲۹ در ۱۳۵۹، ۲۰۰۰ فرزند بختیاری در نسر طبعت تویبهای حصد ارتش نزد ورمرا و به شهادت رسیدند. این کارگران قهرمان هنگامی که بمنول با حتن سگره‌های ستونی برای مبارزین مدافع میهن و انقلاب بودند، در ششور اما بت ترکش تویبهای حصد حصد به شهادت میرسد. این کارگران شهید، با رد بکرمونه های با رزی ارزشمات، با ایستادگی و استقامت طبقه کارگر را در دفاع از استقلال و آزادی میهن و کشورش و تعمیق انقلاب ایران را ظاهر ما ساختند. یادشان همیشه زنده باشد!

کارگر شهید خان بابای بندری کلی هنگام شهادت ۵۳



های مقاومت و طیفها و له‌شان "جمع آوری اطلاعات"، خبری و خلاصه‌کپی کردن همان کارهای ساواکی‌های سابق است. این "هسته‌های مقاومت" آنحضان دست چین شده هستند که اعمال "انجمن اسلامی" را هم با بدنه "مشولین مربوطه" گزارش کنند تا اگر "خدای بنا کرده" در انجمن اسلامی هم مطمئنان "تا با می" پیدا کنند، آنجا هم بمنول حصد و بکمیرو بسند "مشولین مربوطه" شود. اسم این "هسته‌ها" را با بدنه‌های فعال مقاومت علیه سجداری و آگاهی کارگران سجدار هستند!

انجمن اسلامی صورت می‌گیرد و گزارش مربوطه مشولین مربوطه...."

(به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی - ۶ دیماه ۱۳۵۹ - تا - کیدات از ماست.)

بنا بر این هدف و وظیفه اولیه این "هسته‌های مقاومت" کنترل "مدیریت شورا" است. یعنی تشکیل سلح در کارخانه‌ها بوجهودمی آنکه اعمال و عمل و استعالات "حیی شورا" های کارگری را بر سر بردارد و به "مشولین مربوطه"!! (که روش بنده است کمیست) گزارش میدهد. در حصد این "هسته

هسته‌های مقاومت

مقدمه از صفحه اول

چنین توضیح میدهد:

"هدف - این هسته‌ها بمنوان هسته‌های فعال مقاومت که حبه‌های متکنسی، سیاسی و نظامی را بسزد و ایا باشند سا وظایف زیری تشکیل میشوند.

۱- جمع آوری اطلاعات هرکارخانه با عم ارفعیل و اطلاعات و اموری که حصد مدیریت شورا

و ایستاد به حزب جمهوری اسلامی است و کویا هدف ارتشکامل آن آماده ساختن کارگران ستراي مقابل ما بنا و زات سیکا بنکان بوده است. ولی در اطلاعیه‌ای که در این سیمبا خوانده شد، تا جبری حلاف این امر را عملاً مشاهده میکنیم.

در این اطلاعیه آمده است که گروهی بی نام "هسته‌های مقاومت" ساخته شده اند و آگاه در باره "هدف" این هسته‌ها

آنها تیکه...

بفیه از صفحه ۲

همه جهات بر سر آمدن و کوبا شای
ها برای کوچکترین احتیاجات
بسی معطل غارتگران روسیه
با مظلوم سوسالستی شدند.
کوبا قبل از انقلاب خود تنها به
سولیدنکر خود منگی بود و از لحاظ
معنی و کثرت و رزنی کا ملامت
با نده بود. آمریکا همانطور که
جناب ایران را غارت میکرد و کوبا
کوبا را غارت میکرد و جلوسوی
بسرقت همه جا به صنعتی
و کثرت و رزنی کوبا را میگرفتند.
بس از انقلاب کوبا تا چند سال
دادا ما سی در جهت رشد صنعتی
و کشاورزی کوبا قطع وابستگی
ا. ک. به مدورنکر را اقتضاد
نت کالای صورت میگرفت ولی
باز چندی دولت نوسیا دکوبا
ارتوس ابر قدرت آمریکا به
دامان ابر قدرت روسیه پناه
آورده و با ره روزا زینشوروزی
ارسو در باره کوبا در حیط
راستی برار گرفت و در نتیجه
کوبا با زار مبرر شد صنعتی و
کثرت و رزنی مستقل و منگی بحود
مصرف نشود و سولیدن و سولیدن
رکب اصلی انحصار دکوبا را
سنگیل دادا امروز ایما دکوبا
سپاس و مرهنگ کوبا ارتش کوبا
و همه جرایب کشور کلا ملاو است
به سوری است و حکام ایس
کشور بدون اجازت ارمان حوال
در مسکرات هم سی حورند. این
است سرسخت انقلاب کشوری که
از انقلاب سوسیالیست در نهها
و حثت گندوار رسم یکی بدامان
بکری بگریزد.

اکسون آقای جلال الهی

فارسی سز میخواستند تا سلاب
انسان همان راه مصر با کوبا را
احسا ر کند و به بها نه مقابل
با شهید و خطر یک ابر قدرت
دست بدامان ابر قدرت دیگر
نود یعنی خود را تسلیم زراد
خانه ها و کارشنان دولست
شوری کند. پیچیده نیست که
مزدوران وطنی ابر قدرت
روسیه ما شد حزب خائن شونده
برای او همکارانش کف می
زنند و پیچیده نیست که حزب
توده مزدور شوری و حزب مار
سی ها آیت ها خامنه ای ها و
سختی ها در همه جا دست در دست
هم دارند و مشترکاً علیه آزادی
و علیه استقلال کشور ما توطئه
میکنند. طبیعی است حزبی که
به مردم ایمان و اتکا ندارد
و مخالف آزادی و وحدت و
استگرا و آفرینندگی شونده ها
است. حزبی که مثال جلال
الدین فارسی و آیت هسا و
بهشتی های "بدانیت" و توطئه
کرهبران آن هستند. چاره ای
جز توسل حستن به قدرتهای
بزرگ ندارند. آنها برای
تحمیل مقاصد استبدادی و
انحصار طلبانه خود را چاره
تکیه بر منابع استعماری ابر
قدرتها هستند.

علاوه از همین جا معلوم
منشود که آن خطی که با جماع
"روحانیت منهد" و "فلسف
لیبرال" و کذا به جنگ آزادی
میرود و برای دعوا بر سر
مقامات تهران به ایحساد
تفرقه و فتنه و تداره کنشی در
خیابانها متوسل می گردد.
چنانچه ارکحاست و به کجا
میخواهد این کشور را سرد.

توضیح و تصحیح

در مقاله "تاریخ بزرگ ما
شیلان بزرگ" حقیقت شماره
۱۰۲ در صفحه دوم سئوی چهارم
با راگراف دوم جمله "... این
با سربا تا شد همی سروه های
دو آتسه ... غلط باشی شده
که تا عرض پورش از خوانندگان
با این شرح تصحیح میشود:
"... این تاریخ ما تا شد همی
سروه های دو آتسه

وظیفه حزب جمهوری

فان سازند. محسوسه جسدن
صغری کبری شده اند و طبق
روزیه لیبرالسم بند کرده اند
توجه کنند:

"آزادی مطبوعات یکی
از جلوه های آزادی بیان
است و آزادی بیان از
متفرعات آزادی عقیده
است و آزادی با حقیق
ساختن سرنوشت یک
مجموعه حقوق است که با
همدیگر در ارتش ساط
هستند. (متوجه شدید؟ اگر
نشدید اشکالی ندارد!)
این حقوق در نظر مهیای
نکری مختلف معانی و
جایگاههای مختلف
دارند. لیبرالسم
آزادی بیان و آزادی
مطبوعات را به اعتدال
یک "حق" شروع میکند.
در واقع نظام حقوقی
لیبرالسم نظامی است
از حقوق و نه از وظایف.
در اسلام نظام حقوقی از
وظیفه شروع میکنند و به
حق میرسد... حق در نظام
اسلامی پاداش است گفته
انعام و وظیفه داده می
شود. از این جهت حقیق
بیان حق نگارش آزادی
مطبوعات به کسانسی
تعلق میگیرد که وظایفی
را انعام داده باشند."
(به نقل از کیهان - ۶
دیماه ۱۳۵۹).

البتة جا لاحتماً سز شده است.
جناب فارسی به لیبرالسم بند
کرده است تا آزادی بیان و
تعبیه و مطبوعات... را کتمان
کند. جناب ایشان تا سز سازی
و سلفه و معلوط کردن "وظیفه"
و "حق" یک آمده است چای را
سان میکند: آن کسی جو دارد
که وظیفه اش را انعام داده است
شود "حق" پاداش... انحصار
وظیفه است. ولی حدکی این

مطلبه "را تعین میکنند که بر
آن مبنا "حق" را عطا فرمایند؟
من میگویم یکی از وظایف
مبارزه با انحصار طلبان و
مستبدین زیر پرده دین است.
آیا "حق" در این کار دارم؟ البته
جناب فارسی میفرماید خیر!!
برای اینکه به ارتعای بودن
این ایده در عمل بی برسد به
گفته دیگری از جناب ایشان
رجوع میکنم:

"افرادی... ادعا دارند
که حزب الهی ها (یعنی
حزب جمهوری ها) جهاد
دانشگاهی را به انحصار
خود در آورده اند. در حالی
که آنها متوجه نیستند که
اینگونه کارها وظیفه است
نه حق. آیا این انحصار
گری است که حدتت و
شهادت در جنگ را بسند
انحصار خود در آوریم؟"
(به نقل از کیهان ۲۹ آذرماه
۱۳۵۹).

بنابراین تعریف کردن هم
قدرت در دست حزب جمهوری از
"وظیفه" ایشان بر میخیزد و
چون این "وظیفه" را انعام داد
شد آنگاه مسلماً پاداش به
"حق" آنها را نظراً انحصار طلبان
و اینکه فقط روزنامه خودشان
منتشر شود را دارند. آنگاه اول
روزنامه حبی ها سپس محاسن
هدین بعد لیبرالها سردور -
تا به رشن جمهوری... "حقوق"
خود را از دست مدهند چون از
"انعام" وظیفه "به کنار گذاشته
شده اند. این است منطق ما -
یعنی حزب جمهوری
البتة هم بطوریکه کمسم
مردم هم وظایف دیگری برای
خود قائلند از آن جمله پائیس
کنند این حسین "خدمتگزاران
انحصار طلب سوسیالست و روشناس
و به جناب فارسی حوشناسان
بسی بدو حوشناسان بیادایی
"حق" را بحود داده اند که "حزب
جمهوری را کمسم سز
نگذارند.

کشف نیک دائرة المعارف

حزبی در تهران!!

سازگی فارورساعه، صح آزادگان " برای " رهبر جم
 کرمی ارمانین، کوتاهی از او نیست مدارک خداغلامی
 دارودسته های مسیوداسته به حزب جمهوری را لوداده است ؛
 " این یک چشمه را مشکوشیم تا سینه حساب خود را بکنند .
 مراکز اطلاعاتی اسلامی بدقت همه چیز را تحت نظر
 دارد حواسی های حاسی روحایت هر کدام را نشوره
 المعرفی از اطلاعات سیاسی نظامی هستند " (صح
 آزادگان - ۲۱ آذر ۱۳۵۱ - ساکیدا زمانست)
 احیایکی از اس " نوانهای حاسی " ویکی از ایس
 " دائره المعارف " های " سیاسی - نظامی " واقع در خیابان
 بیان کرکان شهران کشف شد !! و تا آن طرف " مقامات مسئول
 ما ستالی کردید . به تبین حیرتو حه کسید .

توضیح در مورد کشف اسلحه و مهمات از یک خانه واقع در خیابان گرگان

به اداره روابط عمومی شهرانی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ
 خبر مربوط به کشف مخداری اسلحه و مهمات از یک خانه واقع در
 خیابان گرگان توسط مأمورین کلانتری تهران، در شماره ۶۶ مورخ
 دهم آذرماه در روزنامه میزان طی نامه ای توضیحاتی در شرح داد،
 است:

۱- اطلاع واسله به عوامل تخصصی کلانتری ۶ یسایس شهران
 حاکیست در منزل شخصی بنام علی کسر مانی واقع در خیابان
 گرگان اسلحه و مهمات وجود دارد . مامورین تخصصی ساکس
 نمایندگی از داد برای تهران میادرت سه سازوسی منزل تصور
 در حین بازرسی تعدادی اسلحه و مهمات کشف میگردد .
 در حلال بازرسی ساکنین منزل از بیان شغل و محل کار ایشان اظهار
 بی اطلاعی می نمایند .

۲- بر اثر نامه شماره ۱۱۶۵۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 ایران، آقای علی اکبر صابری عضو سابق کمیته منطقه لایسنه به
 کشته مرگزی بوده و در حال حاضر عضو سپاه پاسداران انقلاب
 اسلامی و مشغول خدمت می باشد .


۳- پاسنگاد نامه بازرسی کمیته مرگزی اسلحه و مهمات مکتوفه
 دلاری مجوز قانونی جعل بودمانست .
 کتب اداره روابط عمومی - سرخک دواشتری

بی اس توضیح " کمیته مرکزی " . هوز برای مسا
 اسها فاتی " موجود می باشد .
 ۱- اکرایس " دائره المعارف " ساز حوزا سداران
 است . حیرا اسلحه او را در پاسدار خانه بگاه میدارد
 ۲- سجه دلیل این اسلحه ها و مهمات " حار " در خانه
 شخصی فرد مرسور " حاساری " شده بود در پاسدار خانه
 نگا هداری نمید ؟ نکند خانه مرسور . بک حاسه
 " امن " بوده است و با یک کتا حه اسلامی متصل
 حط " دائره المعارف های " سار !!
 ۳- این حوز " حاساری " است که اعصاب حاسواده و
 محل سکونت وی ارتش و نام . . . وی اظهار می
 اطلاعاتی نمیکند !! بکند سدار " محفی " است تا که
 " مرسی " است !!

اگر گفتید...؟!!

احسرا ضهر لاهجان بدست افراد مینشه گری چون کریمی
 " دایستان انقلاب !! کیلان و فرما سدا رلامیحان) و فرمائی
 (حاکم شرع کیلان) و ایا دیهان سدا شوب کشنده شد و حفا قداران
 تحت رهبری این آبادی حزب جمهوری به نیروهای مترقی، سه
 کتا بفروشی ها و . . . حمله کردند .
 یکی از نیروهای سیاسی در " استقاد " به این عملیات
 آسایان این چنین نگاشته است ؛
 " زمانیکه حجت الاسلام خا منه ای امام جمعه " شیسران
 در نماز جمعه با مسیح رحمتگشان مبارزه خدا میریالیستی
 را تشعیق میسند و بعدا عملا " روحه مقبومت نموده هسا
 جهت معالیه با امیرالایسب آمریکا ورزیم ضد مردمی عراق
 را دارد .
 زمانیکه حجت الاسلام رستخانی با سفر خود به کشورهای
 حسه " با بدای در جهت وحدت دولت های مترقی جهان
 می کوشد .
 زمانیکه نمای نیروهای خط امام در جهت بیوند بین
 دولت های مترقی و هند نبریا نسبت منطقه و جهان تلاش
 میکنند .
 زمانیکه ساسندگان خدا میریالیست مجلس و حجت الاسلام
 رستخانی در یافت کمک نظامی از کشورهای دوست
 انقلاب ایران را طرح مینمایند ، حریانی در منطقه
 کیلان که در رأس آن فرمائی و کریمی قرار دارند ساسانی
 معالیه این نیروهای خط امام را در این شرایط حاس
 درسی میکنند . آسان حتی در راه ساسانی ۱۲ آسان
 و مراسم برگزار شد سررا کوچک خان در نلو بیون کیلان .
 شوروی را به عنوان دشمن اصلی بلحاد می کنند .
 آیا نیروهای مترقی خدا میریالیست جمهوری اسلامی
 این را میگویند؟! "
 خدا اصحاب به سدابازی محراب العفولی هست تا با حس
 و باز سیدانه " آهانان در لاهجان را به دفاع ارتشوری بدل
 کرد . ولی این " نیروی سیاسی " این کار را کرده است
 و در حین آن رهبران اصلی همان " فرمائی و کریمی " معنی
 حاسه ای و رستخانی و امثالهم را ساسه " خدا میریالیست
 های دوانه صرمی سکند . در حقیقت " استقاد " این نیروی
 سیاسی به کریمی و فرمائی است که حرام شوروی حس داده
 اند . ضعیف و سسی !
 حالا اگر گفتید . این نیروی سیاسی کیست ؟
 جواب در صفحه دیگر

ارگان
 انتشاریه گتهونیمتهای ایران
 را بخوانند و در میان مردم پخش کنند



پیرامون ...

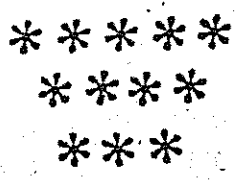
شماره صفحه ۳

گروههای سیاسی و احزاب
 احزاب دهن رو برو بوده ام
 در همه این دفعات نقش اصلی
 را حزب جمهوری اسلامی و سران
 و طیف کراان ایفا کرده اند.
 در آستانه نجات و رستگاری آمریکا
 در طیف جریان دانستگاریها و
 کسب و روستیا به دانشجویان
 بی آمد. در آستانه اجرای
 توطئه کودتای کشف شده ۱۸ تیر
 رد و خورد وسیع باد که داران و
 فضا دعوا بر مرحاب سازمان
 داده اند. حملات هوایی ناگهانی
 رژیم عراق و کمترین تجاوز
 ریبی آن در زمانی آغاز گشت
 که بر سر مدارس جنرال بزرگی
 سازمان داده شده بود و سران
 حزب جمهوری نقش گشت و کشتار
 ریکرو بیتند در مدارس را میسی
 کسیدند. اکنون هم ما متوجه
 ستوریم که نهادهای دولست
 آمریکا برای کریس به جزیره
 ریلواکری های "خلی سلیمان"
 و طرفداران شریعتمداری در
 سرسز و حملات ناگهانی حزب
 دمکرات به ارومیه و مهاباد و آب
 در حالیکه هنوز جنگ ما با
 معاوریس عراقی ادامه دارد.
 با همه کربهای حزب کدانی در
 تهران و پیرسایها و هجوم
 ناگهانی حامد داران و افراد
 کینه های حزب به مراکز مجاهد
 هندی طوق همزمان صورت می
 گسبرد.

اسی و انصاف لسلروم
 ما روزه فاطم تا عامل اصلی
 جاسی اس حوادث ما جریانی
 پس از هر جریان دیگری به

سینه های کودتا و سنا و رجمند
 میگرد. بعضی حزب چیسوری
 اسلامی کویرد میگرد. لنگس
 با ندنه سا رما سبانی کذا ماح
 ندارد کتی ها و نوطنه های اسر
 حرب مسند هندا ردا دکه موافق
 باشد و حساب و سون در نظر
 کرفنی اوعاع در مجموع سد ام
 این حرب و همدستان سا واکی
 ونوده ای آن نیفتند. و در همه
 حال منگی به جنبش بوده ها و
 سادی وحدت وجهت اصلی سرود
 عمومی مردم باشد و رومان و
 شکل مبارزه را خودشان تعیین
 کنند.

ما ارکارگران ایران در
 همه جا میخواهیم که صدای
 اعتراض خود را علیه فتنه کریبا
 و آدم کشی های این حزب خراب
 کار و مستبدیندن کنند. و همیشه
 مردم را از تلاشهایی که سران
 این حزب برای به انحراف
 کشاندن ذهن مردم از جنبش
 عادلانه ای که ملت با
 تاج و زکاران عراقی داشته و از
 خطر توطئه های امپریالیسم
 بر خرد دارند. هیچ جریسان
 سیاسی و طبقه و قشری. هر چند هم
 ملی و آزاد میخواه. ما نند طبقه
 کار کردارای عزیم و اراده
 و قدرت و امکان مقابله با این
 کونه قلد ریبها. فتنه ساز یها و
 ساز یهای سیاسی احزاب توطئه
 گروهیانت پینه نمیباشند.
 کارگران با بدیا پیتی بکدارند
 و ما بدور نطقنا مدها. برکزاری
 اجتماعات و تکلیهای مختلف
 سان اراده. جوش. مردم زا
 به حفظ وحدت خود در ترا سسر
 بر برد ریبها و سنا و ریکساران
 مزدور صدای. و بیکیسری
 در مبارزه. منخدا به سرای حفظ
 و کسرس آزادی و سربا داختن
 کسانی که مدعای جنگ ما
 عراق به حک ما بر دم سبی
 بردارند. فراخوانید.



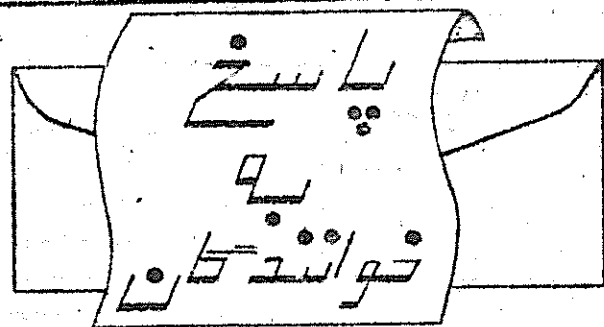
سیمنا و رائه.

شماره صفحه آخر
 ... کرسما رجمه نژوه سسر
 جنبه عمادی. وجه سار ساسی
 دار دو تک تر سون نیلسمی است
 پس خراسا نه مسئول سارهای
 جمعه را در یک برتا به ریسری
 منظم و سمنار را موزنی و سلیمی
 کرده ام آورد؟ خراسا بدنا سنگ
 هدایت مرکزی و سازمانی. خط
 هماختگی تسلیمی بوجود آورد.
 بدین ترتیب سید هاز
 تشکیل "سیمنا را شیو جمعه" روشن
 میشود. کوشش برای بوجود آورد
 دن آنجهان تشکیلاتی که بتواند
 نند تسلیمات ساسی در سسین
 مردم را "هماختک" و "تکسان"
 سازد. اسکلت اسن تشکیلات فعلا
 با فرا ر تشکیل سیمنا رهای
 کشوری اما مان جمعه هر ۴ ماه
 بکار. سیمینار استانی هر ماه
 بکار. انتخاب خنکو (سید علی
 خامنه ای - امام جمعه تهران)
 دایر نمودن دفتر مرکزی اشمه
 جمعه در قم. بوجود آمده است.
 روزنامه. اطلاعات حتی پیشنهاد
 اشتراک ریک شریه. هسکی برای
 تغذیه. سیاسی اما مان جمعه را
 نیز داده است. این از هسیدرف
 آفابان از تشکیل اسن "سیمنا"
 در اینجا با بدنه دو شکته اشاره
 کنیم:

نکته اول - روزنامه
 اطلاعات در سرناله. تا مسرده
 منویسد: "مولاسکی از معایت
 سررک در سازمان روحانست ...
 همس عدم انجام سازمان
 سنی در حلازم است" و اینکه
 کونا تکمیل اسن "سیمینار" اس
 "اسجام و سارماسندی در حد
 لازم" را بوجود خواهد آورد. این
 که بجادی تمام "روحانست" ار
 "اسجام و سارماسندی" سسر
 حوردار سسب. حرف کا ملا در سسب
 و وانعمی اسکارا ندر است.
 ولی دللس بر خلاف مور سسر
 مقاله سوس محترم روزنامه
 اطلاعات اس سسب که سسون
 سمنار" تکمیل سندا داده اسد

حرب و بدنه داشته اسوا ر سس
 کوسی سپرده اسد و ...
 "روحانست" اما ساسی سواسد
 دارای مفا به ساس و سراسه
 سسنان و سگس با ند. خون هر
 گزوه روحا سسون مفا سدا و را. و
 آرمان مخصوص بخود دار سسکسه
 شما سلات افتار و کروهی ساسی
 اجتماعی متفاوت را سان می
 کنند. و با هم "سیمینار" و "طلیة"
 ای هم نمیتوان اسن مفا سدا
 آرا. زاسکی کرد. سسوان مثال
 سار هر کرفنی سواسند "حسب
 تسلیمی. امام جمعه قسند
 سهران. سادروان طلغاسی را
 با "خط سلیمی" امام جمعه
 فعلی سهران. سمدغنی خامنه
 ای. در مورد مصالح ساسی روز
 یکی کسد. سادروان طلغاسی
 اگر در فضحات سوت سسب
 حزب جمهوری را که اس روزها
 سسار ما لاکور فسه سسوان کوشش
 های مسندها بر بر کرده. در سبه
 مردم معرفی سگرود. و سسلسی
 خامنه ای همس اعمال راسه
 مشابه حرکات "انقلابی اسلامی"
 برای سچروزی و قسروزی مردم
 ایران. آن دسره روحا سسون
 پاک سرت و و اما مستفد سسه
 انقلاب سحای اسبکدر بر سر حجه
 "وحدت روحانست" صد خود را
 کسای اسنال سردمداران حرب
 جمهوری و سادی روحانی سان
 در سبهای مختلف ناطی کسد.
 با ندنا سارزه غلنه اسحصار
 طللسی و قدرت سرسی اس دارو
 دسه. مکار در صد واحدی ار و و
 جاسی و سسر روحاسی در سارر.
 غلنه امرال سسب و اربساج و
 سرای اسقلال و آرادگی سسکس
 جوسسد.

نکته دوم - تا سوجه
 اوعاغ و احوال کسوسی و سسکسه
 "اشه" جمعه روس اسب کدان
 خط ساسی و سلیمی که سسسر
 ار هر ساس و خطی سسارهای
 جمعه تالت خواهد سسد. هماغه
 سلیمی حزب جمهوری خواهد
 بود. خرا که اسان اسسکسلا و
 ساس و سراسه. سسار. سس
 محمی در مفا به ما روحا سسون
 سسکر حوردار اسدو سسب سسجه
 محوا سده و ساس بد سسکسه. اس
 کرده ام اسی ها و سسما را. ه
 درجه اول سسار هر کس سسب
 حرب جمهوری تمام سسود



یکی از مناطقی دستخوشی
پرسیده است :

۱- جوامع کوشم رهبری
حزب جمهوری ارتجاعی است ؟
پایه طبقاتی آن چیست ؟
۲- رابطه پایه اقتصادی
و سیاستهاست استدلالی است
آن چیست ؟
۳- دفاع حزب از جریا -
سای ارفصل اشغال سفارت
را چگونه با تدوین داد ؟
۸- پاسخ : بر روی و پاسخ
به دو سوال اول را خصوصاً در
مقاله "حزب جمهوری اسلامی
ولزوم مبارزه با آن"، "حقیقت"
شماره ۹۰ (۲۱ شهریور ۱۳۵۹) می
خوانید بسیار هم چنین پاسخ
سوال سوم نیز در مقالاتی که
در پی اشغال لانه خاوسی آمری -
سکا در تهران در بحث با انحراف
کاران جپ اینتنا ریافت داده
شده است .
بطور کلی رهبری حزب
سازنده ارتجاعی است زیرا :
۱- از لحاظ اقتصادی نه
اجتماعی مدافع مناسبات
و این ماسده و مدبرتی حاکم در
حافه ، یعنی مناسبات نیمه
شودایی و مالک های نیمه
شودایی ارضی در روستاها و
سرمايه دلالی و غیرمولد
انحمارکزان در شهرها میا سد
شکوند سرمايه داری دیوانه -
لارانه (انحصاری دولتی) را ،
که دارای حلقی کمبراد دور
شودایی است ، ماسلط بر
دارائی ها و موسسات و عرصه های
سعاملاسی سرمايه داران
دو اسالارائی (یعنی دربار
و همیالکی های دربار) سدون
ایجاد هخ مفسرمهمی در آنها
و برنال مو ، حاکم ۲- از
لحاظ سیاسی مدافع استبداد
و حکومت مطلقه است ، یعنی سا
فروع رژیم دموکراسک بر

شیردانه و به انحصار قدرت
توسط یک دارودسته و ماسین
حاکمیت مطلق آن در خارج و جوب
یک نظام بورژوا - ملاکسی
کرایش دارد یعنی تسلط
داردهمان نظام سیاسی گذشته
(زمان شاه معدوم) را در برده
نویسی (پرویدین) احیا کند .
۳- از لحاظ فرهنگی مدافع
شکلی از فرهنگ فئودالیسی و
اقتار عقب مانده ، بورژوازی
است ۴- از لحاظ مناسبات
بین الملل ، کرایش به تکیه
بر قدرتهای بزرگ و برانجام
تسلیم بر برابرها را دارد ،
چنانکه منافع اقتصادی
اجتماعی آن بدرجه ای که کمترین
میاید ، وتلاش آن برای تحمیل
استبداد و دیکتاتوری تک حزبی
بورژوا - فئودالی ، چنین حکم
میکنند .
پایه طبقاتی این جریا -
یا ارتجاعی رفوقانی تجار ، واسطه
ها و دلالان بازار ، ملاکان و رو -
جانیون وابسته به آنها میباشد .
بیمارت دیگر آن بخشهای غیر
مولد بورژوازی که مستقرین
بوده در این دو ماسه ارضه
چاییدن مردم برده و تاسلط
بر سنگه سوزغ و معاملات تجاری
و دست اندازی بر سرحی عرصه های
جدیدی که ماسلط ارایس در
دست فئودال - کمبراد دورهای
وابسته به دربار متمرکز بوده ،
به مویخت مزاری رسیده است ،
جریا به طبقاتی این جریا در
شسد ، همچنین این جریا در
ممان ملاکان و محارعا حسب
رعی ، آن معنایی که ماسد
راهی بین ارتجاعی سدسبه
آورده و کمک روحانیون بر
کسبه ها و عبات ماسلط شده است ،
ساده دارد دست اندازی آنها

مقاله - "حقیقت" - شماره ۹۰
امادهاج حزب و درواست
دارودسته های ارتجاعی وابسته
به کساری جون سفی ، آس
و مرکا ، ارتجاعی ارفصل
اشغال لانه خاوسی آمریکای
زاویه ، رماست سا کروهندسهای
دکرا که (احاطه های لمرال
سبی مدری و غیره) و برای جلب
تشریحی خرده بورژوازی و عناصر
سای و مذهبی وابسته به آنها
در این رفتار حکومتی صورت
بمگیرد ، وجهه ، سوخا شده و
کذرا ، دارد ، چنانکه شرمندان
این جریا در برخلاف برجسی
سابعات احیو ، سبج رومنگر
و متون جریایی ماسد اشغال
لانه خاوسی شومند ، بلکه همه
فکر و دگرگان منوجه به احصای
کشیدن آن ، تسدیل آن به -
سعی از مساقبات سیاسی خود -
شان و سعدم سیم آوردن - سرو
ته آن بود ، چنانکه اکسون
ملاحظه میکنید !
۸- دیگری طی نامه ای نوشته
است که :
"در اکثر ماس تحلیل ها
(در شماره "حقیقت") ارتجاع
آورده شده است که اس حسب
سین ایران از یک طرف و بر دوار
سعی و امیرالستنها از طرف
دیگراست ، ایران یعنی چه ؟
طبقاتی جز آسراسی کاسم ،
این "ایران" جای برای برانست
های مختلف در همه جا مسکدار ،
سالخره اس جبک از طرف ایران
چه طنائی در آن حا داره ؟
۸- ماسبج : در اس حسب در
بکطرف ملت ایران اسد که از
آرادی و اسطلال وحی حاکمیت
جود دفاع میکند و در طرف دیگر
رژیم تک کسور خارجی اسد که
به حرکت و سمسایی امریا -
لسمها سراس ملت ماسد و رسده
است ، در اس جبک آسحه در در
حواس امیرالستنها و بر دوار
سعی اسد سربو اسطلال و سعی
اسطلال اس ملت ارضه ماسم
ملطه سسدم خودمان برکشور
شرمندان ، سنی اسبران ،
نیمه در ماسبج ۱۳

فدائی ...

بقیه از صفحه آخر

همه میدانند که درد عوای بی بی مدرو حزب جمهوری، عده ای از روحانیون به جانب داری از سنی مدرو خاسته اند. کسانی که درد دوره اخیر فعالانه در مخالفت با حزب جمهوری و در دفاع از سنی مدرو تبلیغات و سخن رانی گذاشته اند و حوادثی چون مشهد و امفهان در کناره سخنرانی های آنان بوجود آمده. امثال لاهوتی و شیخ علی تهرانی بوده اند. هیچ نیرویی ایسین روحانیون را "مرتجع" که منی دانده هیچ، آنها را روحانیون دمکرات منشی نیز می شناسند. ولی "اکثریتی" ها از زیبایی من در آوردی دیگری دارند (البته زیاده) من در آوردی نیست، بهتر است بگوئیم "حزب جمهوری در آوردی" است :

اخیراً عناصر و نیروی هابی که در مخالفتشان بسیار پیشرفت انقلاب هیچ تردید نیست، تحت حمایت عده ای از روحانیون مرتجع که همیشه به طرفداری از سرمایه داران بزرگ و لیبرالها و فئودالها مشهور بوده اند هستند ... در امفهان و قم و مشهد دست به راهبیماشی و تظاهرات ... زده اند ... (تا گیدات از ما ست)

آیا جداً امثال لاهوتی و شیخ تهرانی "مرتجع" بوده و به طرفداری از سرمایه داران بزرگ و لیبرالها و فئودالها شهرت دارند و امثال بهشتی ... خانه ای، باهرو آید و ...

"امفلاسی" میباشند و به "طرف داری" ارکان و گران و رادیکالها و دهقانان "مشهورند!!؟ قلمه و اضمیات و حقایق تا به کجا؟ سهم ما بی در مقابل اشرا و حزب جمهوری تا به کجا؟

به نمونه ای دیگر از نسا ما دی بودن در ماجراهای تاریخی و نتیجه گیریهای دلخواه سی آقایان توجه کنید:

"آن روزی که آقای رفسنجانی نام مسعود را از لیست کاندیداهای ریاست جمهوری حذف کرد و 'ملاحیت' تیسار مدنی را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری موردتأیید قرار داد، مرا - حتی اعلام کردیم که این کار این توهم را پیش خواهد آورد که گویا مدنی ها از مسعود رجوی ها به ما م نزدیک ترند."

گفتیم که در مقابل تاریخ باید صادق بود! اولاً عوای حذف نام مسعود رجوی از لیست کاندیداهای رانه "آقای رفسنجانی" بلکه شخص امام خمینی صادر کرد (امیدواریم فراموش نکرده باشید)، اگرچه این امر بیشتر به تحریک فتنه گران حزب جمهوری، یعنی همین "آقای رفسنجانی" و شرکاء صورت پذیرفت. و ثانیاً آیا این افسر فقط این "توهم" را بوجود آورد که گویا "مدنی ها از رجوی ها به ما م نزدیک ترند"، آیا در شما این "توهم" واقعیتی را بوجود میآورد که سران حزب جمهوری خود را به تیسار مدنی ها نزدیک تر احساس میکنند تا به مسعود رجوی ها؟ آیا همین خاطر هم است که توطئه گساران کودتای جی جون آیت و شرکاء در آن حزب کذایی مشغول هستند و چیزی و توطئه جیشی هستند (سر علیه همین مسعود رجوی ها) و ما و اکی ها با تمویت در آن حزب به نمایندگی مجلس هم رسیده اند؟

"اکثریتی" ها سراسری ایسکه انگ "لیبرال" نبودن

را به ما هدین سچما شد. سر را لایمه سچا هدین در مسعود دستگیری دلب راه دو سچسون سیاه کرده اند و سپس می پرسند: "سیاست درست آن بود که شما حراً و آزادانه اعلام می کردید که این یک جامعه است که اشخاص معلوم الحالی چون قطب زاده فرصت یابند از شبکه تلویزیونی ... لحن برانگیزی کنند ... امسا فیدائیان و مجاهدین و دیگر نیروهای غذا مبریا لیست و انقلابی، با مدها شهبند گلوگون کفن ... نه تنها اجازه حرف زدن با مسردم زحمتکش را از رادیو و تلوو - یزیون نداشته باشند، بلکه کوشش شود که حتی حق جنگیدن علیه رژیم جنایتکار صدام را هم در شهر محاصره شده آبادان از آنان بگیرند."

"اکثریتی" ها از مجاهدین طلب "مراحت" میکنند. ولی چرا "اکثریتی" ها خود بسیار راحت اعلام نمیکنند آن کسی که چمک خروج نیروهای انقلابی را از آبادان صادر کرد، یکی از همین نوجه های حزب جمهوری بود، چرا خودشان با مراحت نمیگویند که حکم اعدام دکتسر تریمینا را یکی از سران همین حزب جمهوری، همین روحانیون با اصطلاح "فدا مبریا لیست" حزب جمهوری صادر کرد؟ چرا در مبارزه با حزب جمهوری مراحت ندارند؟

"اکثریتی" ها سراسری "موجه" جلوه دادن مراحت و نقطه نظرات خود به قلب مدیعی ترین واقعیات و حقایق برداشته اند. لنین خوب گفته که "پورتون نیست ها حتی مدیعی ترین قیامی های هندسی را میسر - اگر ستمشان نشاند - منکسر میشوند."

نقش مبارزه برای آزادی

"اکثریتی" ها در این

نامه کذایی محوسی سچا ن داده اند که چگونه برای بدست آوردن دل بار - یعنی حزب جمهوری - حاضر شده اند. آزادی - هابی را که مردم انقلاب جو - نیز، شان بدست آورده اند، لگد مال کنند.

"اکثریتی" ها در اساط با حوادث اهدر در مدارس و اعلام اینکه مدارس عمده زده مسورد بین انجمن های اسلامی (طرف داران حزب جمهوری) و انجمن های دانش آموزان مسلمان (هواداران مجاهدین) بوده است، به مجاهدین خورده می - گیرند که:

این فکرا شناسه است که در شرایط فعلی ما دعوا کردن بر سر حق نصب اعلامیه، آزادیهای دمکراتیک در مدارس تا مین میشود. "اکثریتی" ها موضوع

مبارزه در مدارس را چه ساده متبدل میکنند و آن - دعوا بر سر حق نصب اعلامیه - خطاب میکنند. (اگرچه همین امر نشانه دهنده زورگویی هابی مفرط یا دوهای حزب جمهوری در مدارس است). موضوع مبارزه در مدارس عبارتست از مبارزه برای آزادی عقاید، آزادی بیان، مبارزه سچا نشتیش عقاید و سیستم پلیسی که حزب جمهوری تا آن مسئولین امور تربیتی راه انداخته است و نه "دعوا بر سر حق نصب اعلامیه" ! "اکثریتی" ها ایس مبارزه را ایس جیش به لوت می کشند و میگویند "آزادیهای دمکراتیک" ایس جیش نامین نمی شود. پس چگونه نامین میشود؟ توحه کنید به پیهره کویی و سالا حره ارائه بر هسای فدا مفلانی:

"آزادی سیاسی در مدها رس آزادادی سیاسی در سطح حا - معده حاسب - وگ سرت عفو و آزادی های سیاسی در حا مع سرت کنترش و نکامل مبارزه - طبقات و به بقیه در صفحه ۱۰

فدائی ...

بقیه از صفحه ۹
 ارزیابی درست ما (!!) از اوضاع و احوال و انعقاد روشها و تاکتیکهای مناسب در هر موقعیت مستغنی دارد. امروز کار سردر زور و استفاده از روشهای خشونت آمیز برای تامین حقوق و آزادیهای سیاسی فضای دمکراتیک را در جامعه ما تخریب می کند و به زیان نیروهای مبارز و انقلابی تمام میشود. آیا اکنون زمان آن نیست که با تمام توان بکوشیم تا در مدرسه و کارخانه، در خانه و محله جلوی هرگونه تشنج و درگیری را که زمینه ساز آن با مرتجعین فدائی و انقلاب استند و با عناصر فاساد مریب حورده، بگیرییم؟

"اکثریتی" ها آزادی ردمدارس را به آزادی در جامعه حواله می دهند. (توکویی مدارس جبری جدای از جامعه هستند) و بعد در مورد آزادی در جامعه لفت بر اکی کرده و کسوف آن را ختی به "ارزیابی ایشان" از اوضاع جامعه تیر مرسوم می دانند. سپس بدون پاسخگویی به چگونگی تامین آزادی ها در جامعه، تلویحا مجاهدین را به افتخار درویشهای خونت آمیز و استفاده از زور میگویند و آنها را به تخریب فضای دمکراتیک جامعه محکوم میسازند. در آنهم اعلام آتش بس در مقابل رورگویی های حزب جمهوری می نماید و دستور رفع هرگونه تشنج در کارخانه و مدرسه

و جامعه (!) و محله را میدهد. بالاخره معلوم نمی شود برای تامین آزادیهای سیاسی در سطح مدارس با جامعه ما بیکرد؟! "اکثریتی" ها در مقابل رورگویی های حزب جمهوری آن چنان چشمه بر زمین ناشیده اند که با لاجرم آشکارا مسئولیت عمده درگیریهای چندین هفته گذشته را به گردن مجاهدین می اندازند:

"... باید فنیول کنید که در تشنجات اخیر مسئولیت های عمده ای بی پاسخ مانده است. قبول کنید که جنیت از شما انتظار دیگری ندارد... (تاکید از ماست) و مجاهدین را محکوم به انعقاد روشهای مخرب تر و نادرست تر از حزب جمهوری مینماید (که گویا در حزب جمهوری در روش نادرست است) :

"وقتی یک یا چند تشنه از تیر و تازی خلق روشن های غلط و مخرب و بی انضباط افکنانه ای را در پیش گیرند، آیا سایر نیروها مجازند به خاطر مقابله با این روشها به روشهای نادرست تر توسل جویند؟" (تاکید از ماست)

جداً حزب جمهوری هرگز نمی توانست این چنین تشنج ریکد، "دوستانه" و "رفیقا نه" این شهمنی را که ما همامت میخواستیم مجاهدین بچسانند - یعنی مشول عمده درگیریها و تشنجات - را به آنها بسازد!! "اکثریتی" ها جقدر "زیبا" و "رفیقا نه" ایمن و طیفه حزب جمهوری را انحام داده اند. جقدر "زیبا" و ما - هر آنه که گران حزب جمهوری را از انحصار طلبی - فندگیری و بلوا و فریبی سرا ساخته اند، و جقدر "زیبا" بیارره برای آزادی را به طاق نیسان گسوسیده اند!!

صف بندیهای

که اکثریتی ها هم تبلیغ می کنند؟

مدتهاست که حزب جمهوری (و ایما حزب توده) برای پیشبرد مصالح خودم خویش دست به تبلیغ ضد سندبهای معیسی در سطح جامعه زده است. آنها این چنین تبلیغ میکنند که گویا دعوی اصلی جامعه بسین گروه لیبرالها از یکسو و خط امامی ها از سوی دیگر است. بزعم ایشان لیبرالها نخست لوی آزادیخواهی، میخواستند. هندا میریالیسم را دوباره راه ایران برگردانند. ولی "خط امامی" ها که حزب جمهوری اسلامی هم گویا نیروی اصلی آنست، مبارزین قاطع "فدائیها" لیست!! هستند، آنها تبلیغ میکنند که همه نیروها و همه مردم باید در زیر پرچم سوری این حزب بکداسی باشند، و در غیر این صورت با لیبرالها هستند و عملاً زیر پرچم آمریکا!! آنها را به سوی برای مردم باقی نگذاشته اند. آنها که از شریکترین و ضد دیکراتیک ترین نیروها هستند، هرگونه فریاد آزادیخواهانهای را به سینه اش، اینکداین "هدای آمریکا!!" است در کلوظه میکنند تا پایه های حکومت مستبدانه، و سنگی به قدرتها بزرگ خود را در زیر برده، دینی محکم سازند، حزب توده را همان اسد برای این دسته شریک رفردوهمین مضمون را به شیوه ای "شوریکد" در میان مردم و "چی" های دروغینی چون "اکثریتی" تبلیغ نمود.

حالا هم "اکثریتی" ها همان اراخف و عیس صفت سندبها را تبلیغ میکنند و می خواهند بجا هدین هم باشد خودشان در زیر پرچم حزب جمهوری سینه بسند، برای همین هم ایک "لیبرال" بودن را به مجاهدین می چسانند و آنها را بنسبشان لیبرالها خطاب می -

کنند. شما هیچ میدانید که اگر واقعاً شما همه بود، از پشت لیبرالها بردارید، برلس به این انقلاب و به آرسا هزاران هزار شهید کتلکسور کمن آن، چه خدمت بزرگ کرده اید؟ تا کسوف هستند ای بسیدید که ای که گستاخس از غیر لیبرالها ما چه میسازد به حساب کردن روی حمایت شما مرموط است؟

"اکثریتی" ها از مجاهدین میخواهند تا از لیبرالها بپزند، ما که بسیدیدید که "فدائیها" لیست!! و این با اصطلاح فدا میسازد که گسائی هستند؟ بسا "اکثریتی" ها عملاً کی حرس کاسینه، رجاشی نیست، همان دومف بندی حزب جمهوری، "اکثریتی" ها همه را در مقابل دورا قرار میدهند: با حزب جمهوری و با لیبرالها!!

تبلیغ این ضد بندیها بمانند تشنه فبندیهای ممکن در جامعه نشاندهنده، ذوا بر مبه است: اولاً - اینکه "اکثریتی" ها و نیروهای مشابه همه لاف و گزافه ها بیان در مورد "توده" و قدرت لایسزال وی و انقلاب توده ای ... اصلاً بت توده، مردم و قدرتش سساوری ندارند. اصلاً به حرکت رجند - کشان اعتقادی ندارند و فکر می کنند که بعضی کسده، حرکت جامعه دعوی سالانی ها - به اصطلاح دعوی لیبرالها و حزب جمهوری - است. ثانیاً - این که چون دعوی این دو مانند حکومتی سر حرکت جامعه را تعیین میکند، و بر عهده ایشان خفه، نیروهای سیاسی و احسانی عملاً و مستقل از اسر "دو مبط" هیچ کاره اند. پس باید طرف یکی از اسها را گرفت. "اکثریتی" ها ففصلا ترجیح داده اند که ما حرسرت جمهوری باشند، و در این راه همه در ورگی ها را هم بچسانند. تفسیه در صفحه ۱۱

فدائی ...

بقیه از صفحه ۱۱
خبرده اند. سایرین طرز
تفکر اکثرکی با حزب جمهوری
نماند. چنانچه لیبیرالها نیز!!

تا کتیک انقلابی اکثریتی هادر شرایط کنونی چیست؟

" اکثریتی " هادراواشل
نامه شان نوشته اند " در روزها
خفته ها و ماههای آتی ، سپس
ما و انقلاب ما روزهای سختی
را پشت سر خواهند نهاد " و " سر
ضوت انقلاب بیش از هر زمان
به تصمیمات درست نیروهای
انقلابی گره خورده است ."
ایمان در انتهای نامه تان آن
" تصمیم درستی " را که همه را
به انحاء آن دعوت میکنند مطرح
ساخته اند :

" محمی ها فکر میکنند کتیک
اکثر این کابینه از عهد
اداره کشور برمی آید .
احتمال سقوط آن هست پس
بضر است ما خودمان را در
شک های آن تریک نکنیم
و ارا اقدامات ما لیبیرالها
لیستی (!!) آن حمایت
نکنیم . حال آنکه کتیک
واقعا انقلابی است که اول
بسیار پیشروین بود را
از سقوط دولت کدام نیرو
جراهد سرد؟ آیا بحر لیبیرال
لها؟ امرا از رئیس جمهور

حمایت میکنند . نیروی
دیگری هم هست که از این
سقوط فایده سرد؟ در تاسی
اکر ما ارسیا سنها و اقدامات
مدامیرالیستی دولت
و مجلس به این دلیل حمایت
نکنیم که ضعف است ... آیا
این بمعنای تسلیم شدن
در برابر مخالفان انقلاب
و تمکین کردن به هدفهای
آنان نیست ؟ " تا کیداز
ماس)

بدین ترتیب از نفع نظر
" اکثریتی " هادفاع از انقلاب ،
امروزه بطور مشخص یعنی جلو
گیری از سقوط " کابینه " رجا
بی " که نفع رئیس جمهور
لیبرالها تمام میشود !! حده
تعمیم " انقلابی " و تا کتیک
درختانی است !! این نتیجه
محتوم تحمیل صف بندیهای
پیش یاد شده است . این نتیجه
مخفوم همان تصویری از اوضاع
جاری است که حزب جمهوری (و
همچنین لیبیرالها) در مقابل
مردم ترتیم کرده اند : که گویا
دعوی اصلی بین حزب جمهوری
(مکتبی ها و فدا میرالیستیها)
ولیبیرالها (متخصص ها و سازش
کارها) میباشد که بصورت
دعوی بین کابینه ، رجا بی
و رئیس هیئت نیرون زده است و
میخواهند مردم را محبور کنند که
بین یکی از این دو جنبه انتخاب
کنند . " اکثریتی " هادعا می
گویند تنها تصمیم درست در تراس
بط کتونی جهت گیری با حزب
جمهوری است !!

نتیجه گیری

" اکثریتی " هادرطول
این نامه :
اولا - بروی صف بندی
که حزب جمهوری در جامعه ماحمه
است (و نه تنها حزب جمهوری
بلکه حتی همان لیبیرالیستهای
" خطرناک ") کاملا سعی -
کند از خود طرفت حزب جمهوری
را گرفته اند .
ثابثا - برای جوش آمد
شدان حزب جمهوری ، به فلسف

و انعمات و عنایق تاریخی و
سیدی بی برداخته و متاخره در
راه آزادی راعملا " ارجاعی "
قلمداد میکنند .
ثالثا - منطق با تسلیقا
حزب جمهوری ، معاهدین خلق
را مسببا اغتشاشات و درگیریها
قلمداد میکنند (در صورتیکه
مسبب همه این فتنه ها حزب
جمهوری است)

رابعا - دفاع بی قید و
شرط خود را از حزب جمهوری
و دولت متبوع ایشان یعنی
کابینه ، رجا بی اعلام میدارند .
حال با تمام این خشوش
خدمتی ها و چاپلوسی های
" شوریک و سیاسی " در پیشگاه
حزب جمهوری ، این نامه را
نیاید " مدح نامه حزب جمهوری "
از طرف " اکثریتی " هادانست ؟
جدا " اکثریتی " هاقصدنامه
نوشتن به مجاهدین را داشتند
یا قمداد اعلام جنبشکی علمی و
کامل با حزب جمهوری را ؟
ولی در ارزیابی از نامه
باید صداقت داشت ! " اکثر
یتی " هانتقاداشی نیز بینه
حزب جمهوری وارد دانسته اند .
توجه کنید :

" این نگرانیها (نگرانی
از وخامت اوضاع) وقتسنی
میشوند بگونه ای جدی تر
مورد توجه قرار گیرد که در ک
کنیم نیروهای اصلی جمهوری
اسلامی ایران که در شرایط
قطعی طبعاً هدف اصلی
تمام آن حملات قرار دارند ،
هورا این اطمینان را در
میان مردمی که خواهان
استقلال ، کار ، مکتس و
آزادی هستند بدید بسیار
است که در کتا کت سرکی که
در راه است آمادگی آن را
دارد که این جمهوری را از
حمایت همه جانبه وسی درج
متحدین و دوستان و مدافعان
واقعی انقلاب مادر ایران
و جهان برخوردار باشد ...
(تا کیداز ارماس)
آری " اکثریتی " هانسا
صور " کاملا " اطمینان

نیافته اند که حزب جمهوری
" آمادگی " لازم را برای
انداختن ایران در دامن
" متحدین و دوستان و مدافعان
واقعی انقلاب مادر ایران
و جهان " دارد یا نه !! " اکثر
یتی " ها که نازکی ها حیلی سنگ
" متحد و دوست و مدافع واقعی
انقلاب مادر جهان " - یعنی
شوروی - را بینه میرتند
هنوز کاملا این اطمینان را
نیافته اند !! هانتقاد " بحا "
و " اصولی " ای ! البته از دید
" اکثریتی " های روبریونست
و شوروی برست !!

پایان سخن :

آن فدائی و این 'فدائی' !!

" اکثریتی " هانامه خود
را تا این جمله آغاز کرده اند :
" دوره کتونی تا
ریخ مبارزات خلق قهرمان
ما با نام شما و نام ما ، با نام
مجاهد فدایی گره خورده
است ."

ما کارنداریم که آیا واقعا
تاریخ معاصر مبارزات مردم
ایران با نام " مجاهد فدایی "
گره خورده است یا نه ! ولی یک
نکته را میدانیم و آن اینکه سر
آن فدایی که در میان مردم
بحق برای خودجایی مار کرد
با این " فدائی " زمین
آسان اختلاف هست .

آن فدایی . آنکه به نام
تاریخ ببوسه و جاودانه شده . آن
که حماسه ها آفرید . آنکه با نام
و کار و آثار او احقراده و بوسه
و تبادل بر سر آنها افتاد .
در حدیث با مار نکاری و معط
حوبی با دشمنان مردم مولد
ند ؛ ولی این " فدایی " سنا
لگد مال حاضر آرمسان آن
فدایی . تا تریبیا کسندارد
سنا انقلابی آن فدایی ارستی
سازش و دوستی بروی میکند !

آمریکا...

داران آتی از جون ریگان
را کمبهرها - به احتمال قریب
به نفس یا کناره آمدن با اسر
قدرت روس دست به توطئه های
شوم خود علیه ایران خواهند زد.
دادن شرحی "امتیازات به اسر
قدرت روس که نمونه هایی از آن
را در سال اخیر بیوژه در
دران ریاست جناح نیکسون
که اکنون محدود قدرت گرفته -
اشاد آن بوده ایم، گواهی است
بر این مدعا. و تازه اگر به
احتمال ضعیف چنین سازشی
برای بلعیدن ایران پیش
بیاید، آیا فکر میکنید روس ها
تسری کشش بنفوذها سراغ
استعماری خوددهیا هرا رسناز
خود راه جان خلق افغانستان
انداخته است، حاضر شودندون
مخ انتظار متناظری سلاح های
خود را در اختیار ملت ایران
فرار دهد. روسها میربالیست
انگرنیلی ایران را دوست می -
دانند، دست کم منششاران
مخامی خود را از عراق باز می -
خواهند و با ربح خود برای منبع
استفاده از سبب افکن های
ببولف علیه ایران استفاده
میکرد که در هیچ کدام از موارد
فون دست به چنین اقداماتی
نرند است.

سپاه مخالفه با ما هم
ویا با بیرون توطئه های نوم اسپرت
والسیهای آمریکایی، سلاح
در زمیند روحیت ملی و انگار
به بیروی لایزال میبویهاست
ار سوده های مردم ایران است.
اگر مردم ایران با ما پیونداری
بر ممانعی سجده و یا انگار
نه بیروی خود توانمند محمدرضا
را از ریکه قدرت بریزند کنند.
بر سر ما و را صمانی اسر -
بالیسیهای آمریکایی و گسیر

فدائی...

آن فدایی در طاسان علیسه
استنداد و عقان حاکم سرخامه
وسرای آزادی مردم بخروش در
آمد: و این "فدایی" به آزادی
نت کرده و سر تعظیم در مقابل
شیروهای مستبد فرو آورده آن
فدایی باقیام علیه خیانت
رویز بیونیسیم خرووشجفی، ماسر
امراشتن علم مبارزه علیه
"فورباغه خرووشجفی" پاسه
عره: مبارزه گذاشت؛ و این
"فدایی" با چیه مابسی در
مقابل رویز بیونیسیم با هم صدا
شدن با همان فورباغه های
بدبخت و بدتر با هم آواشدن بی
کرازهای وحشی بر ز نفسی
تمام بندهای خود را بیسان آن
فدایی قطع کرد. بین آن فدا -
یی و این "فدایی" همانقدر
بیوندهست که بین انقلاب و
خیانت، بین مارکسیسم و
رویز بیونیسیم!

آن فدایی حرفه تا سنا -
کی بود که در تار ریگی شب محمد
رفا شاه درخشید، و این "فدا -
یی" گرم شب تایی است که در
نور خیره کننده انقلاب ایران
فروغی ندارد! "فدایی" فقط
نقابی است تا چهره واقعی
"توده ای خجول" در پشت آن
مخفی بماند.
آن فدایی، واقعاً
فدایی انقلاب و مردم نبود؛
ولی این "فدایی" فقط
فدایی رویز بیونیسیم و شوروی
است!

اسفاد حک تجا و زکارانه کنوا -
بی معنی های مردور شرمینوا -
تدبا بنند. لیکن اکنون
از لاج برنده خود را امکان
ایهای نفس خود را طریباست
حاکم سرخامه و حک کویسی
بخروند. با بدتر لاف این
حربان حرکت کرد و سوده مردم
را سجد و مسکی به بیروی خود
سود. آنگاه موا هم دیده آسا
آمریکا خروش با و رو با امکان
سروری بر ملت ایران خواهند
داست!

جواب 'اگر گفتید'...

لاندفکر میکسید که این حضرات، همان حزب توده ایهای
خودمان!! هستند که هرگز غیر روسی شان برخوردار است.
اگر چنین فکر کرده اید اشتباه میکنید!! این "شوروی
سیاسی" کسی جز سازمان پرافتخار!! "چریکهای فدایی
خلق (اکثریت)" نیست. نقل قول مربوطه از اعلامیه
۵۹/۹/۱۶ شاه: "کیلان این سازمان پرافتخار!! نقل شده بود.
"اکثریتی" ها تا زکی هادرگیلان بی پروا و بسیار "نا -
شیانه" دست به تبلیغ پناه بردن به دامان شوروی امپریا -
لیستی رازده اند. هزار چندگانهی تراکتیهای پخش میکنند و
"راه حل" هایی برای کناندن ایران به دامان اردوگناه
کذایی "سوسیالیستی" میدهند. این تراکتیها بیامه های
کوناگون متحمله "کارگران پیشرو" پخش میشود!

چگونه مواد مورد نیاز کارخانجات را تأمین نماییم؟

در تراز کوسی بسیار از کارخانجات سلطه کلان سطر کارخانه های سبک بران روز دیگر
و... به علت کمبود مواد خام و وسائل بدکی - تولید کارخانه - به حداقل ممکن کاهش یافته است
مانند سلطه جن است
کوشش جهت تأمین مواد مورد نیاز کارخانه ها -
یکی از وظایف اساسی دولت
جمهوری اسلامی است.

برای تأمین مواد اولیه و قطعات بدکی مورد نیاز کارخانجات، دولت جمهوری اسلامی باید:
۱- کشورهای دوست و همسایگان انقلاب ایران یعنی کشورهای ترقیخواه و سوسیالیستی وارد نموده
۲- لابدین طریق کمبود مواد مورد نیاز کارخانجات را تأمین گردد.

کارگزاران پیشرو - کیلان
۱۳۶۷/۱/۱

پاسخ به...

میباند. تعیارت دیگر در این
حاشیله سرمین، یعنی سر
شرایط تکامل اقتصادی -
اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
جامعیتی معنی و بدنی سال آن
تضمن جهت تکامل ملی درون این
منهن، مورد دعوا میباند.
از اسرو شکل مشخص این حک،
حکی است میان ایران و سکا
شروی سلطه بجز خارجی تعیستی
مردوران عراقی و امیربالیست
ها

سرسی طنحایی دو طرف
اس حک معنی بدین صورت
است: در یک طرف طغیان کارگر
و دهقان و خرده بورژوازی و
بورژوازی ملی و سایر سروهای
اسرائی که مخالفان حاور
هند فرار دارد. در طرف دیگر
بارود سه بورژوا - مژک وفا -
سسی یک کمورد کمور بورژوازی
امیربالیستی فرار دارد. لیکن

هدف دفاع در طرف ایران در عین
حال دفاع از استقلال و شرایط
موجود است و نگاه مل کلیه طغیان.
یعنی دفاع از استقلال شرایط
زندگی و مبارزه درونی کلنگه
طبقات یک کشور (ایران) می
باشد. در این سطر سروهای ار -
نحایی و هشودال - کمیر ادوری
خودی که در این حک معنی
طرف دشمن خارجی را گرفته اند
سنوان عواملی سکا سبب
به این شرایط عمومی (سپهر)
سنوان عوامل مداراسی -
عواملی که سرسلط غیر سوارند
عمل میکنند.
بدنیان گفتگو کردن
ارضا دنا حک میان ایران و
یک سروی خارجی کا ملامح
است - همانطور که سلا حک
میان سرو سوسپوست های
اسرائیل در اکتبر ۱۹۶۷ صحت
می شود و غیره.

آمریکا...

بقیه از صفحه آخر

که همگی در پشت تعارض و تضاد
سازمان اینستا هستند. اکنون
بفرمان ارباب منافع های شوم
دیگری را صادر کرده اند.

کمیتره که فعلا نقش بلند
پایدارترین مشاوران ریاست
جمهوری جدید آمریکا را با
ری میبکند، وارد منطقه شده
و با نوکران سرسورده آمریکا
شعول مذاکره است. سیرو
جمهوریایی آمریکا در منطقه
سیخ فارس و آبانوس هند
کنساکان شعول جولان است و
هر لحظه میزهای خود را احاطا
میکنند تا نقشه های بلند خود
را پیاده نمایند.

حاکمینی ریگان بجای
تارتو و عمران ناحی امیریا
نیستهای آمریکا کشی به نیسیا
سیبری در سیاست عمومی آمر
سکامنی سرار پس گرفته سن
لند چرسی که مردم ایران سنا
بنام خود ادرست آنان سیرون
کشیده اند، نمیباشد. بلکه
سایر حرکات و نشانات ریگان
حاکمی ارادانه، بیایب، سیخ
عمد، سیروهای ارمحای غلبه
اطلا ایران است.

ریگان در مصالحه های
سیرو خود سر یحانه سیاست تحرزت
ک، سیبری نیوسل حه است.
اوسردم ایران را محدودانه وحشی
کبری منجم کرده و برای هزار سن
برسه ادعای بوج "عمومیت"
عاسوسن های خود در ایسوان را
سوده است و ایران را سیرتاج
ساز کرده است و سنجایی را آدم برد و
سنگ را میدهد. و حه

سرمه حسیه های ریگان برای
جستار عمومی مردم آمریکا
و در عین حال آماده ساختن
معالم لازم برای بیشتر نیاست
- ورکا رایبه، حود، شنجسه
منطقه سیاست امیرالیمتسی
انحصارگران آمریکا و نیسز
حامل سازشکاریها و مظلومیت
بازی های دولتمردان جمهوری
اسلامی در برابر سلطان سزرک
است.

نه کارشردن برای ۵۲ ها...
سوس خود میسوزاند و نه ریگان
اهل احصا سات آن چنانی است.
۵۲ نفر آمریکا یی که بسرای
امیریا لیستهای آمریکا یی
ارزشی ندارد، آنان حاضر اند
۵۲۰۰۰ آمریکا یی را در راه باز
پس گرفتن موقعیت نواستعماری
خود در ایران فدا کنند و خمسه
امرویشان نیا ورند. درویشنام
جنین کردند. در کره نیز سسه
همین سوال وده ها نمونسه
تاریخی دیگر گواهی است. سسر
این مدعا، علیرغم ادعا های
بوج و توخالی این آدم نماهای
حون آقام پیرا مون قبول ضمنی
برخی از شروط ایران بسرای
رها یی کروگانها، آنها مشغول
بازی بازی کردن با دولتمرد
دان جمهوری اسلامی هستند تا
شرايط را برای نقشه های شوم
خود آماده سازند.

امیریا لیستهای آمریکا
یکایی برای ملت ایران از امتحان
خود را داده اند، آنان کسه
مخربان و ظرا حان کودتای شوم
۲۸ مرداد ۲۲ بودند، باشکستی
که شدت مردم ایران در سال ۵۷
خوردند، حوی ترار بیست سنا
کثون چندین باره سنا حساب
سنتیم و غیر سنتیم دست رده
اند. آنان چندین بار سینه
برای کودتا در ایران ریختند
که سرگرتسی آن طرح کودتای
۱۸ سیرامثال بود. آنسنان
عالمین حمله سنا به ساور
گارا سنا به طمن بودند، آنسان
در اغشانات دروسی و مسرری
ایران با مسلح کردن وسایین
سه حاسه، دستات و ایستسه

خود مستقیم دست داشته و دارند.
آنان در محاربه اتمسیتیادی
ایران، در تحت فشار سن المللی
قراردادن کشور را از هیچ دستسه
و توطئه ای، فرو گزار نسموده اند
و آخرین شگرد آنان را میسوان
در طرح تجاوز یعنی های مزدور
به خاک میبین ما ملاحظه نمود.
و هم اکنون در طراحی نقشه های
تجزیه ایران در منطقه کردستان
بدرست عوامل مزدور حزب دموس
کرات و با با مسلح کردن وتامین
مالی فنودالهای بلوچ و فارس
و با طرح تسخیر سه جزیره ایران
در خلیج فارس سخت مشغولند.

همین گزارش بلوا و آشوب
که در تهران و سایر نقاط ایران
بدرست عوامل مستقیم و غیر سسر
مستقیم خود و با بهره گیری از
اختلافات درونی جا مع سه آن
دامن میز شد و آنهم در پشت در
شرايطی که متجا وزین عراقی
به خاک میبین ما حمله نموده و
تجنگ متقابل ایران با عراق
به یک حالت بن بست و فرسایشی
کشیده است، گواهی برای نیست
که بیژنا مه های دیگری در حال
سیاده شدن میباشد.

اینکه امیریا لیستهای
آمریکایی ظاهرا مشغول مذاکره
بوده و ادعای رسمی می نمایند
که طرحی برای مداخله یا تجاوز
به خاک ایران ندارند، همش
دروغ و فریب کاری محض است.
مردم ایران با یدسیا دا ورنسند
زمانی که دکتر معدق برای سسن
نموروا هی بود که با میانجیگری
آمریکای "آزاد" میسوان سسن
مسئله سارزه، فدرشکک نفسیت
اسکلیس را سحوی حل نمایند
و مقامات آمریکا یی سسر در ظاهر
تبا نه واسطه و سنانجی را سحوی
گرفسند، با مورین محمی آمر
یکانه تدارک یک کودتا سپردا
حسند و با لاجره سدن و سسند ملی
مردم ایران را سحوی کشیدسند.

امیریا لیست آمریکا در حال
حاضر سسر در بی هسانست کسه در
دوران سدن بود. وسنا سنا و
این دوره ایست که آمریکا
در ایران دوران سدن اگسز

منافع محدودی داشت، و برای
همان منافع محدود و گسز
آن دست به کودتای خونین ۲۸
مرداد زد، آمریکا در ایران
امروز سس سال پس گرفتن سوس
قیمت بسیار حیا تی نواستعماری
از دست رفته خود میباشد و لندا
ده برابر بیشتر خواهد کوشید.
آمریکای حنا ییتکا رحتی شاید
حاضر شود که نما می شروط نسیم
سند مجلس جمهوری اسلامی
را پذیرا شود، ولیکن تنها سه
یک منظور و آنهم جز برای خام
کردن مردم و دلنمردان ایران
نیست تا بتواند همه، ایران
را باز پس بگیرد.

موضوع دیگر قابل ذکر که
در عین حال تا سفا انگیز نسز
میباشد، موضوعی است که در سسر
مقاله روزنامه، اطلاعات ۹ دی
ماه ۵۹، به آن بر خورد می نما
شیم. سرفقاله اطلاعات کسه در
کلیات خود مسایل در ستر ا طرح
کرده آنجا که پیرا مون سیاست
بر خورد به توطئه های آمریکا می
پردا زده، به اشتباه فاحشی دچار
میکردد.

سرفقاله فوق الذکر
پیشنهاد دلال الندین فارسی
را که عملا یدک کشی برای امیر
یا لیستهای روس مینماید، در
عین اینکه ملاحظات و شروط
استقلال طلبانهای را پیش می
کشود به آن سیده تردید مینکود،
بهر حال پیشها در دریا مت سلاح
های روسی را که بتوانند با سلاح
های آمریکا یی مقابله کنند،
بل سرری میداند، ما در سفا
له، دیگری در همین سسنا ره
(آنها شیکه مردم را به سازش
با امیر قدرت روس فرا میسوا
شند) پیرا مون این طسرح
ایران بر سادده سحن گفته ایم.
لیکن نکسه، فابل ذکر در ایسن
جا ایست که سوسندگان سسر
مقاله روزنامه، اطلاعات حنما
با یدسیا سسکه موقعیت دواسر
مدرت در شرایط کسوبی سس
المللی سسحویست که اول آمر
یکا، سویزه با سیاست سسر دم

پاسخی به

نامه پراگنی فدائی اکثریت

مختصرا پاسخی به آن میدهم. قلب واقعیات و حقایق اکثریتی ها برای اینکه گفتا رخود و نظرات خود را "موجه" جلوه دهد، مجبور شده اند بدیهی ترین واقعیات در مورد حوادث و وقایع چند مدت گذشته را تحریف کنند و سه نسل آنها بپردازند. فقط سه چند نمونه از این شیوه، دروغ - کویبی، عدم صداقت در سازگویی وقایع تاریخی و حرفهای "حزب جمهوری شادکن" زدن "اشساره" مختصر می نمائیم.

همه میدانند که در یکی دو ماه گذشته، تظا هراتسا و اعتراضاتی بر علیه زورگویی - های حزب جمهوری در گوشه و کنار کشور بر آفتاب شده است. همه میدانند که اینگونه تظا هراتسا آنگونه که حزب جمهوری تبلیغ میکند، به تحریک "فدا انقلاب" و "بر علیه ولایت فقیه" و... نبوده، بلکه در اساس تسودار بزبان مردم علیه زورگویی های حزب فتنه جوی جمهوری اسلامی

بوده است، ولی "اکثریتی" - ها که فعلا عقدا تعدادنا مری با حزب کذابی بسته اند آنها را چنین ارزیابی میکنند. "در تمام تظا هراتهای ارتجاعی ماههای اخیر تظا هرکنندگان برای ساز مخالف تبارا - حانیون فدا میربا لیست (یعنی بهشتی، رفعتحانی و خامنه ای !!) و پاسداران انقلاب... شعارهایی را که مدد در صد ارتجاعی و فدا نقلاب بی است... تکرار کرده - اند" (تاکید از ماست) "اکثریتی" ها ابد آنمی گویند چرا این تظا هراتسا "ارتجاعی" بوده است، فعلا سنج ساز نیست !!

بنیبه در صفحه ۹

اخیرا "سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)" - ها سرگشاده ای به مجاهدین خلق نوشته و در آن ضمن طرح "استفاداتی" به مجاهدین، آنها را به بازگشت به "راه و روش انقلابی" دعوت کرده است. اگر آنجا که این نامه مخط به مجاهدین مرسوم میشود، و در آن بسیاری نخطه نظرات مسدود، قلابی تبلیغ گشته است.

سینار ائمه جمعه برای چه تشکیل شد

در هفته گذشته به پیشنهاد آیت الله منتظری، اما مسان جمعه شهرهای مختلف گرد هم آمدند و با اصطلاح "سیناری" شروع دادند. هدف از تشکیل این اجتماع در فم چه بود؟ نمازهای جمعه از آن جهت اهمیت دارند که هر هفته مسدود کنیری از مردم را در یک جامع بکنند (اگرچه هر روز در تعداد شرکت کنندگان در این اجتماع "مذهبی - سیاسی" گاشته می - شود) و سایر این محل و مکان سیاسی است برای تبلیغ سیاسی و برنامها حزباناب سیاسی. ولی کویبا "روحانیت" ماکسون فادر مسوده است سیاست "خط" واحدی را در ایسی اجتماعات علمی تبلیغ سنا - بد، سر مقاله، ووریا به اصطلاحات (۲۲ د ماه ۱۳۵۹) تطویحا ایس امر را اعتراض میکند:

مردم باید بهوش باشند نقشه بعدی آمریکا چیست؟

مردم ایران باید بهوش باشند، آمریکای سنها ددرسی توطئه دیگریست با انقلاب ایران راه سازا سودا آورده. آبراطلع وضع کمدهیک دیگمانوری فا - نیسی را بر پا کرده اند. نقشه آمریکا ارمان اوج کیستی و برروری فمام بهس ما ۵۷ و اران ماریج ماکسون همیسر بوده است. و مارما سکه به دند نوم خود سردست ار سراسران و انقلاب مان برخواهد داشت.

اگون رمره سحر سبه خورده اسوی آمریکای جهان خوار کونوس میزند. نوگسبران حلقه کونش آمریکا ش در سلطه

بنیبه در صفحه ۱۳

وظیفه "حزب جمهوری" و "حقی" که باید کف دستش گذاشت

احرار و روسا به کیهان ارچندس ارتعصت هادراره، فانون مطبوعات "مطرحوا" می کرد. یکی ار این نمصت ها، حلال الدین فارسی بود که ار سردستاران حزب جمهوری است. و احرا اذوا ره سحرانی ها

واظها رنظرهای خود را امراس داده، تا بدحاطرا اینکه برای نیلی در ستر گرفته شد اسسد. حاب حلال الدین فارسی برای اینکه صدست خود را آردی سان و عمده و مطبوعات راه صراحت

بنیبه در صفحه ۵